

همجنسگرایان از وزارت تا اعدام / سیاست یک بام و دو هوای جمهوری اسلامی



سید رضا ریاضی

جمعه ۲ مهر ۱۳۸۹ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۰

... "دو مرد دیگر به علت همجنس بازی اعدام شدند"، "نعمت صفوی نوجوان اردبیلی در سن 16 سالگی به جرم همجنس بازی اعدام شد"، "نوجوانان همجنس گرا محکوم به اعدام شدند" و ... اینها اخباری است که گاه و بیگاه از ایران به گوش می رسد. انسانهایی که به جرم همجنسگرا بودن به اعدام محکوم می شوند در این میان قانون به نوجوانان نیز رحم نمی کند، این در حالی است که جمهوری اسلامی کنوانسیون حقوق کودک را امضا کرده است. در عین حال در اینسوی جهان برخی از سیاستمداران همجنسگرا به قدرت دست می یابند و به بسیاری از سمت ها نظیر وزارت گماشته می شوند.

پرسشی که مطرح می شود این است که آیا در ایران هیچ کدام از مسوولین نظام همجنس گرا نیستند؟!

"... در سن کودکی بسیار بازیگوش بودم. از درو دیوار بالا می رفتم. یکبار یواشکی به بالای دیوار یکی از باغهای شهرمان بالا رفتم و یکی از پسرهای محل را هنگام لواط با یکی دیگر از پسرها دیدم. او حالا شهردار شهرستان ما است! ...". این حکایتی موثق است که شخصی برایم تعریف کرد و حالا لااقل یک مسوول در کشور را می شناسم که همجنس گرا است.

از طرفی شایعات زیادی درباره همجنس گرایی مسوولین رده بالای نظام شنیده می شود و حتی شنیده می شود که در حوزه علمیه نیز بسیاری افراد همجنس گرا هستند. البته دلایل منطقی برای این امر وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد.



همجنس گرایی از نظر اسلام جزو گناهان کبیره و از نظر فقهی حرام محسوب می گردد و مجازات های سنگینی بر آن قرار داده شده است. بر این اساس: «1. صدق عنوان لواط در صورتی است که به □□ اندازه حشفه دخول انجام شود، □ در غیر این □□ صورت اصلا لواطی انجام نگرفته است، هر چند گناه کبیره ی دیگری غیر لواط صورت گرفته است که به

آن تفخیز می گویند که در صورت ثابت شدن برای آن نیز صد تازیانه تعزیری از طرف حاکم شرع قرار داده شده است. اما در باره ی آثار فقهی لواط (مانند حرمت ابدی خواهر و مادر [مفعول و...]) امام خمینی، حتی دخول کمتر از حشفه را موجب حرمت ابدی ازدواج با خواهر و مادر و دختر مفعول می داند. پس آثار دیگر لواط این است که مادر و [خواهر مفعول بر فاعل تا ابد، حرام شده و او نمی تواند با آنها ازدواج کند و لو این که فاعل در حال لواط بالغ نبوده باشد. 2. اگر عمل شنیع لواط به طریق شرعی اثبات شود و فاعل و مفعول با رضایت تن به این عمل ضد انسانی و ضد اخلاقی داده باشند حکم آنان قتل است که یا دیوار بر آنان خراب می شود یا از بلندی پرتاب می شوند یا با شمشیر کشته و یا در آتش سوزانده می شوند (البته سوزاندن در آتش تنها منحصر به جرم لواط است و به خاطر جرائم دیگر کسی سوزانده نمی شود). البته چنان چه کسی العیاذ باللہ مرتکب این گناه شد و عمل شنیع او مخفی ماند لازم نیست که خود را به محاکم شرعی معرفی کند و تنها توبه بین او و خدایش کافی است.»

همانطور که اشاره شد در قوانین جزایی جمهوری اسلامی این عمل گناه کبیره محسوب شده و مجازاتش مرگ است، اما این سوال مطرح است که آیا این کشور می تواند با کسانی که مرتکب گناه کبیره شده اند و این مساله را بطور علنی مطرح کرده اند وارد مذاکرات رسمی شود؟! روز گذشته «گوئیدو وستة وله» وزیر امور خارجه آلمان با «منوچهر متکی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در نیویورک دیدار و گفت و گو داشته است، این در حالی است که گوئیدو وستة وله همجنسگرا است و هنگامی که به عربستان سعودی برای یک ملاقات رسمی سفر کرده بود بسیاری از رسانه های جمهوری اسلامی این دیدار را به دلیل همجنسگرا بودن وی متهم کرده بودند. اما وستة وله پس از سخنان احمدی نژاد مبنی بر اینکه آمریکا حوادث یازده سپتامبر را طرح ریزی کرده است، با مقامات ایران گفت و گو کرد و مقامات جمهوری اسلامی از این دیدار بسیار خرسند بودند. با این وجود وستة وله هنگام سخنرانی احمدی نژاد در جلسه حضور نداشت و همراه دیپلماتهای اروپایی و آمریکایی جلسه را ترک گفته بود.

سوال دیگر این است که اگر مقام رسمی کشوری که همجنسگرا است وارد ایران شود و در طول مسافرت خود با شریکش همبستر شود آیا مجازات او بر اساس قوانین اسلام اعدام است؟! یا اینکه کشور اسلامی بر اساس قوانین بین المللی عمل خواهد کرد؟!

در این بخش به گوشه ای از زندگی دو شخصیت سیاسی در آلمان اشاره می کنیم که همجنسگرا هستند و همانطور که همگان اذعان دارند جمهوری اسلامی روابط اقتصادی بسیار خوبی با آلمان دارد. البته در این بحث

مساله همجنسگرایی به هیچ وجه مورد انتقاد قرار نگرفته است. همچنین باید خاطر نشان کرد که مسوولین آلمان همواره مساله اعدام در جمهوری اسلامی به دلیل همجنسگرایی را مورد انتقاد قرار داده اند.

شریک وسته وله به او قدرت می دهد



“گویدو وسته وله”، (Guido Westerwelle) وزیر امور خارجه آلمان یک همجنسگرا است.

وسته وله 27 دسامبر در بد هونف (Bad Honnef) متولد شد. والدین وی هر دو بعنوان وکیل فعالیت می کردند. بعد از جدایی آنها وسته وله به همراه سه برادرش با پدرش زندگی کرد.

وی پس از اتمام مدرسه در سال 1980 به FDP (از احزاب آلمان) پیوست. سپس عضو موسس حزب لیبرال جوان شد و به عنوان رئیس هیات مدیره فدرال در سال 1988 و 1983 خدمت کرد.

از سال 1980 تا 1987 در رشته علم حقوق در دانشگاه بن ادامه تحصیل داد. وسته وله در سال 1988 عضو هیات رئیسه FDP شد.

وسته وله با در حال حاضر با “میشائیل مرونز” (Michael Mronz) زندگی می کند.

میشائیل مرونز مدیر(chio) در آخن و برادر تنیس باز معروف “الکساندر مرونز” است.

پس از جشن پیروزی FDP مایکل مرونز و وسته وله تا ساعات پایانی شب آبجو نوشیدند و وسته وله شریک خود مایکل مرونز را مدت کوتاهی بغل کرد. محبت ، غرور و قدردانی در چهره وی دیده می شد.

وسته وله بالاخره پس از یازده سال در دولت به پیروزی دست یافته و مرد شریک زندگی اش او را قدرتمند ساخته است.

وسته وله و مایکل مرونز در آگوست 2003 با یکدیگر در تاسیس شرکتی در کلن آشنا شدند.

در سال 2004 در مراسم جشن 50 سالگی “آنگلا مرکل” صدر اعظم آلمان، وسته وله با شریک خود مایکل مرونز حضور یافت و به این شکل رابطه خود را با مرونز آشکار کرد. وسته وله می گوید “من زندگی ام را تا کنون مخفی نکرده ام و زندگی ام را زندگی می کنم”.

وسته وله هفته گذشته با شریک خود به طور رسمی ازدواج کرد.

این در حالی است که به گفته یکی از جامعه شناسان که نام وی به علت مسائل امنیتی فاش نمی شود، بر اساس یکی از مطالعات آماری تعداد زیادی از افرادی که در حوزه علمیه قم درس می خوانند همجنسگرا هستند.

در همین حال یکی از اساتید حوزه علمیه که نام وی نیز فاش نمی شود، نیز می گوید: همجنسگرایی در میان پسران نوجوانی که برای درس طلبگی به قم می آیند، امری طبیعی است. این افراد در سنین نوجوانی در خوابگاهها بصورت دستجمعی زندگی می کنند. آنها شرایط و همچنین امکان برقراری ارتباط جنسی فاش را ندارند.

بنابراین تفاوت جامعه ایران با اروپا در این است که در اروپا روابط بصورت آشکارا اذعان می شود اما در ایران همانطور که بر اساس قوانین گفته شد لازم نیست فردی که مرتکب این عمل شده خود را به محاکم شرعی معرفی کند و تنها توبه بین او و خدایش کافی است. در این راستا قانون یاد می دهد که بهتر است مخفی کاری صورت گیرد.

چرا مایکل مرونز به وسته وله قدرت می دهد؟



قبل از هر چیز حالت آرامش بخش وسته وله مطرح است حتی وقتی مرونز در شرایط استرس قرار دارد، همه چیز را در دست دارد. همکاران وسته وله چشم انداز مثبت وی به زندگی اش را ستایش می کنند (همیشه باید به نیمه پر لیوان نگاه کرد). او حتی وقتی شکست می خورد از این شکست درس می گیرد تا به قدرت جدیدی برسد. همه این مسائل به وسته وله اطمینان خاطر می دهند. خوش بینی وسته وله موتور محرک وی است و او با شکست نا امید نمی شود.

مرونز در انتخابات سهم عمده ای در پیروزی داشت او نزدیکترین مشاور رئیس FDP بود. او در جمع هواداران مردمی درست روی جایگاه قرار داشت.

چیزی که دو زوج را به هم پیوند می دهد عشق به موسیقی کلاسیک بتهوون و هندل و هنر معاصر است. یکی از کسانی که وسته وله را خوب می شناسد می گوید که حالات روحی او نسبت به سالهای قبل به توازن رسیده است.

ظاهراً طالع خوبی دارد. در آخرین هفته قبل از انتخابات در طالع بینی وی (حوت) نوشته شده بود که می توانید روی کمکهای کسی که در ماه جدی (مرونز) است، حساب کنید!

در عربستان همچون ایران مجازات همجنس گرایان اعدام است با این وجود وسته وله به این کشور سفر کرد و حتی مورد استقبال عبدالله بن عبدالعزيز و سعود الفیصل پادشاه و وزیر امور خارجه عربستان و شخصیت‌های دیگری از خاندان سلطنتی قرار گرفت.

میشائیل مرونز در بیشتر سفرهای وسته وله حضور دارد و حضور وی در سفرهای وسته وله سبب شده که برخی نسبت به این موضوع اعتراض کنند

که وی از موقعیت خود برای انجام امور شخصی استفاده کرده است. با این وجود دسته و له این اتهام را که برای امور شخصی به این مسافرت آمده را رد می کند و می گوید که مرونز برای انجام امور کاری همراه وی سفر کرده است.

دسته و له 48 ساله اولین همجنس گرایی است که در آلمان به مقام وزارت رسیده است.

وزیر امور خارجه آلمان در دفاع از هم جنس گرایی خود اظهار می دارد: این که من همجنسگرا هستم هیچ مانعی برای کار سیاسی من محسوب نمی شود.

وی می گوید: طی 9 سال گذشته که به عنوان رییس حزب دموکراتیک آزاد مشغول به کار بوده ام، هیچ مشکلی برای من به دلیل این که با یک مرد زندگی می کنم بوجود نیامده است.

وستروله در گفت و گو با مجله آلمانی اشپیگل با اشاره به زندگی خصوصی خود و این که ممکن است سفر وی به برخی کشورها با مشکلاتی همراه شود، می گوید: کشورهای وجود دارند که در آن زنان به طور قانونی و سیستماتیک تحت ظلم قرار می گیرند و از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند. این مطلب مورد خشم ماست و ما با وجود این واقعیت ها در کشورهای دیگر، یک صدراعظم زن داریم.

وستروله هم چنین در پاسخ به این سوال که آیا وی از روبرو شدن با بی احترامی هراس دارد یا نه، تصریح می کند: من هیچ هراسی از این که با بی احترامی مورد برخورد قرار گیرم ندارم، چرا که تاکنون چنین مساله ای را تجربه نکرده ام.

وزیر امور خارجه آلمان تاکید می کند: اگر ما بخواهیم که اصول و قواعد لیبرالیستی خود را آنهم به آن دلیل که دیگران آنها را قبول ندارند محدود کنیم، به لحاظ اخلاقی شکست خواهیم خورد.

این سیاستمدار حزب دموکراتیک آزاد هم چنین در این مصاحبه اظهار می دارد: موافقم از کمک به توسعه کشورهای که در آن زنان به عنوان جنس دسته دوم مورد برخورد قرار می گیرند و یا زنان و مردانی که هم جنس باز هستند اعدام می شوند، جلوگیری شود.

چندی پیش "فولکر بک"، از فراکسیون حزب سبزهای آلمان در پارلمان این کشور، از وزیر خارجه آلمان خواست که برای جلوگیری از اجرای حکم اعدام همجنس گرایان ایرانی، اقدام کند.

فولکر بک، با استناد به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر، یادآور شد که خطر اجرای حکم اعدام، سه مرد جوان را به اتهام همجنس گرایی در سنین کمتر از 18 سال، تهدید می کند. وی در نامه ای به وزیر امور خارجه آلمان، از او خواسته است که علیه این حکم فعال شود.

این سیاستمدار حزب سبزها تأکید کرد که ایران پیمان حقوق مدنی

سازمان ملل متحد را امضا کرده، که طبق آن صدور حکم اعدام تنها در رابطه با جنایات بسیار سنگین ممکن است. این پیمان صدور حکم اعدام را در مواردی که ارتکاب آن در سنین خردسالی اتفاق می افتد، ممنوع می سازد. نه ارتداد از دین و نه همجنس گرایی مشمول این مجازات نمی شوند.

شهردار برلین : من همجنسگرا هستم و این چیز خوبی است!



کلاس وورایت Klaus Wowereit سیاستمدار آلمانی در یونی سال 2001 حاکم ایالت برلین شد. او همچنین در نوامبر 2009 نائب رئیس ملی حزب SPD شده بود.

او با دو برادر و دو خواهرش بدون پدر بزرگ شد. در کنار شغل دانشجویی برادر بزرگترش او را پشتیبانی مالی می کرد. سالهای خیلی بعد وورایت از برادرش که دچار فلج مقطعی شده بود و مادرش که سرطان داشت، مراقبت کرد.

او تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فقه و حقوق در دانشگاه برلین آغاز کرد و در سال 1979 اولین سوال حقوقی وی از دولت صورت گرفت. او منشی قانون در Amtsgericht Tempelhof-Kreuzberg شد و در سال 1981 دومین سوال حقوقی خود از دولت را پرسید. سپس او مسوول شورای انتصاب سناتور از برلین بود.

وورایت در سال 1993 با یورن کوبیکی Jörn Kubicki جراح اعصاب آشنا شد و در سال 2005 آنها در یک خانه مشترک زندگی کردند. بزرگترین شهرت وورایت در سال 2001 بدست آمد. زمانی که او برای نامزدی جهت کاندیدا شدن بدون رای اعتماد در برابر ابرهارد دیکگن Eberhard Diepgen قرار گرفت.

پس از آن او در رسانه ها ظهوری استثنایی داشت و هنوز آینده انتخاباتی اش نامعلوم و بادبانی در باد بود.

وی به صراحت اعلام کرد: "من همجنسگرا هستم و این چیز خوبی است!" و این جمله بالهایی برای موفقیت وی شد.

او اولین سیاستمدار آلمانی بود که بر مساله همجنسگرایی اش بطور آشکار ایستادگی کرد.

Werner Josef Patzelt دانشمند سیاسی می گوید: وورایت تفرجی در رهایی داشت.

در دوازده دسامبر سال ۲۰۰۳ نمایندگان مجلس قانونگزاری آلمان، «بوندستاگ» تصویب کردند که در محله «تیرگارتن»، از محله های معروف برلین، پایتخت آلمان، یادمان همجنسگرایانی که در طی حاکمیت

ناسیونال سوسیالیست‌ها در اردوگاه‌های کار اجباری جان باختند، نصب شود.

دو هنرمند دانمارکی به نام‌های میکائیل المگرین و اینگار دراگست در مکعبی به ابعاد سه متر و شصت سانتی‌متر در یک متر و نود سانتی‌متر یک تلویزیون مداربسته نصب کردند. در این تلویزیون فیلمی به طول یک دقیقه و نیم که در آن دو مرد یکدیگر را عاشقانه می‌بوسند به نمایش گذاشته می‌شود. صحنه‌ی بوسه‌ی دو مرد هم‌جنس‌گرا که به پایان می‌رسد، فیلم از اول تکرار می‌شود.

در ادامه این گزارش اطلاعاتی از دلایل همجنس‌گرایی از «وکیپدیا» برای علاقه‌مندان منتشر می‌کنیم تا خوانندگان بیشتر با این خصلت آشنا شوند.

همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی یکی از گرایش‌های جنسی است که مشخصه آن تمایل زیبایی شناختی، عشق رومانتیک، و تمایل جنسی منحصرآ نسبت به جنس همگون با خود فرد می‌باشد. به فردی که به جنس دیگر گرایش داشته باشد دگرجنس‌گرا و به افرادی که هم به جنس دیگر و هم به همجنس خود تمایل دارند دوجنس‌گرا می‌گویند.

در اصطلاح دینی و حقوقی به ارتباط جنسی بین مردان لواط یا سودومی (برگرفته از نام لوط پیامبر قومی به نام سودوم که به این کار مشهورند) و به ارتباط جنسی بین زنان «مساحقه» می‌گویند.

در گویش خیابانی، از افراد همجنس‌گرا - زن یا مرد - با عنوان تحقیرآمیز «همجنس‌باز» یاد می‌شود، همچنین واژه‌های دیگری نیز در گفتار عوام برای اشاره به افراد همجنس‌گرا وجود دارد که معمولاً تحقیرآمیز و محکوم‌کننده هستند؛ به عنوان مثال همجنس‌گرایان مرد در زبان فارسی با عناوین چون اِواخواهر، اُبنه‌ای (شخص مفعول در عمل جنسی همجنس‌گرایان) و عناوین زننده‌تر خوانده می‌شوند.

برای اشاره به همجنس‌گرایان مرد در زبان ادب فارسی واژه‌های «غلامباره» و «شاهدباز» و امروزه گی که از واژه انگلیسی Gay آمده‌است استفاده می‌شود. اما برای اشاره به همجنس‌گرایان زن در زبان فارسی امروزی معمولاً واژه لزبین یا لِرز به کار می‌رود که از واژه انگلیسی Lesbian آمده‌است. البته در گفتار ایرانیان به همجنس‌گرایان زن، طَبَقَزَن گفته می‌شده‌است که به عمل طَبَقَزَنی اشاره داشته‌است. این لغت امروزه بندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پدیده همجنس‌گرایی از ابتدای تاریخ، با بشر همراه بوده‌است و در ادبیات و هنر جهان از زمان بسیار کهن، شاهد اشاراتی به این پدیده هستیم.

همجنس‌گرایی از دید زیست‌شناسی

تئوری هورمونی پیش از تولد

زیست شناسی عصبی مغز در ایجاد حالت مردانگی کاملاً کشف شده است. استرادیول و تستوسترون که به وسیله α -5 آنزیم ردوکتاز تبدیل به دی هیدروتستوسترون می‌شوند، عمل ایجاد حالت مردانگی را با اتصال به گیرنده‌های آندروژن (هورمون‌های جنسی مردانه که باعث ایجاد صفات ثانویه مانند ریش و کلفتی صدا می‌شوند) بر عهده دارند. تغییرات جسمی و روانی زمانی ظاهر می‌شوند که تعداد این گیرنده‌های آندروژن بسیار کم (مانند نشانگان بی حسی آندروژنی و یا بسیار زیاد باشد (مانند زنان مبتلا به پُریاختگی مادرزادی غده فوق کلیه) احتمالاً همجنسگرایی چه در مردان و چه زنان نتیجه چنین دگرگونی‌هایی است. در این مطالعاتی دیده شده است که در زنان همجنسگرا عموماً بیش از زنان دگرجنسگرا حالات مردانه ایجاد شده است. همجنسگرایی مردان، ایجاد حالات مردانه چه بیش از حد و چه کمتر از حد معمول باعث همجنسگرایی در مردان می‌شود.

تفاوت‌های فیزیولوژیکی همجنسگرایان

تحقیقات بسیاری که در این زمینه انجام شده‌اند، مانند تحقیقات پیشگامانه عصب شناس سیمون لوی، نشان می‌دهند که تفاوت‌های قابل توجهی در فیزیولوژی مردان همجنسگرا و مردان دگرجنسگرا وجود دارد. این تفاوت‌ها ابتدا خود را در مغز، گوش میانی، و حس بویایی آشکار می‌سازند. لوی در آزمایشی دریافت که مغز ۱۰٪ از مردان همجنسگرای مورد آزمایش تفاوت فیزیولوژیکی آشکاری با همان بخش‌ها در مردان دگرجنسگرا دارد. گاهی نتایج این تحقیقات را به این معنا می‌گیرند که همجنسگرایی در افراد پدیده‌ای مادرزادی است. با این حال خود «لوی» می‌گوید: «تحقیقات من ثابت کننده یک دلیل ژنتیکی برای همجنسگرایی نیستند. من هیچ قسمتی از مغز را به عنوان یک مرکز همجنسگرا کننده معرفی نکرده‌ام. INAH-۳ بیشتر مانند حلقه‌ای از زنجیره هسته‌های شکل دهنده رفتارهای جنسی مردان و زنان عمل می‌کند تا یک هسته همجنسگراکننده... و از آنجا که من مغز افراد بالغ را مورد مطالعه قرار داده‌ام هیچ دلیلی وجود ندارد که نتیجه بگیریم این تفاوت‌ها مادرزادی بوده‌اند و بعد از تولد به وجود نیامده‌اند. تحقیقات لوی مورد انتقادهایی قرار گرفت که یکی از دلایلش انتخاب مردان همجنسگرایی بود که به علت بیماری ایدز جان خود را از دست داده بودند، در حالی که دگرجنسگراهای مورد مطالعه به این بیماری مبتلا نبودند. مقایسه‌ای که بین اندازه INAH-۳ در افراد مبتلا به ایدز دگرجنسگرا و همجنسگرا انجام شد (با وجود کوچک بودن جامعه آماری) نشان داد که اندازه این بخش از مغز در هر دو آنها مشابه است. البته باید توجه داشت که هیچ مدرکی مبنی بر تأثیر

ابتلا به ایدز بر اندازه ۳- INAH یافته نشده است. تحقیقات در زنان هنوز به هیچ نتیجه مشابهی منتهی نشد.

بعضی از تحقیقات اخیر حاکی از ارتباط تعداد برادرهای بزرگتر با همجنسگرایی فرد می‌باشد. بلانکارد و کلاسن در سال ۱۹۹۷ اعلام کردند هر برادر بزرگتر احتمال همجنسگرایی فرد را تا ۳۳٪ بالا می‌برد. این یافته طبق گفته ۱ بلانکارد «یکی از معتبرترین یافته‌های اپیدمیولوژیکی است که تا به حال در رابطه با گرایشهای جنسی کشف شده است.» بر طبق این یافته، گفته می‌شود که هر جنین مذکر در مادر واکنشی ایمنی ایجاد می‌کند و این واکنش با جنین بعدی تشدید می‌شود. این جنینها آنتی ژن H-Y را که نفش آنها در تغییرات جنسی مهره‌ها تقریباً ثابت شده است تولید می‌سازند و این همان آنتی ژنی است که آنتی بادی مادری H-Y به آن واکنش داده و نیز یاد آوری (از نظر ایمنی شناختی) می‌نماید. سپس آنتی بادیهای H-Y تولید شده توسط مادر به جنین حمله می‌کنند و کارایی آنتی ژنهای نامبرده را در ایجاد حالات مردانه در مغز جنین پایین می‌آورند. از این موضوع با نام «اثر ترتیب تولد برادر» یاد می‌شود.

در مطالعاتی که پسرهای رشد یافته با برادر بزرگتر را با آنها که جدا از برادران رشد کرده بودند مقایسه می‌کرد، کشف شد که تنها متولد شدن از مادری که برای چندمین بار پسری به دنیا می‌آورد احتمال همجنسگرا بودن را در افراد افزایش می‌دهد و بزرگ شدن در کنار برادران دخالت چندانی در این مسأله ندارد جالب اینجاست که این موضوع فقط در مردان راست دست صادق است. درباره زنان نتایج مشابه یا قابل توجهی یافت نشده است.

رفتار همجنس‌گرایانه در حیوانات

روی و سیلو ۲ پنگوئن همجنس‌گرای باغ وحش نیویورک: هنگامی که تخمی واقعی در زیر آنها گذاشته شده از جوجه ی به دنیا آمده همانند فرزند خودشان نگهداری نمودند.

رفتارهای همجنس‌گرایانه تاکنون در ۱۵۰۰ گونه جانوری - از پستانداران گرفته تا خرچنگها و کرمها - مشاهده شده ولی تصور می‌شود که رقم واقعی بسیار بیشتر از این باشد. رفتارهای همجنس‌گرایانه بخصوص در حیوانات گله‌زی با زندگی گروهی پیچیده شایع‌تر است و نقشی اساسی در زندگی آنان بازی می‌کند. معروفترین حیوان همجنس‌گرا بونوبو یکی از نزدیکترین خویشاوندان انسان است. این گونه از شمپانزه به‌کلی دوجنس‌گرا است. جانت مانن، پروفیسور دانشگاه جورج تاون صریحاً این نظریه را مطرح کرده است که همجنس‌گرایی، لااقل در دلفینها مزیتی است که در اثر تکامل به وجود آمده و حملات و تجاوزهای داخل گونه‌ای را خصوصاً در نرها کاهش

می‌دهد.

بعضی پنگوئنهای نر تمایل به تشکیل جفت با نرهای دیگر و لانه سازی مشترک با آنها دارند. در این مواقع از یک سنگ به عنوان جایگزین تخم استفاده می‌شود. در سال ۲۰۰۴ پارک مرکزی حیوانات واقع در ایالات متحده آمریکا، سنگ یادشده را با یک تخم بارور جایگزین کرد که زوج نر آن را به عنوان فرزند خود بزرگ کردند. باغ وحشهای آلمانی و ژاپنی نیز گزارشهایی دربارهٔ همجنسگرایی بین پنگوئن هایشان منتشر کرده‌اند. این پدیده همچنین در زیستگاه آبی کلی تارلتون در اوکلند نیوزیلند مشاهده شده‌است.

معاشقه و دخول کامل در روابط گاوهای نر، خصوصاً گاومیش کوهان دار آمریکایی معمول است. روابط اینچنینی در ماده‌های نوع دیگری از گاوها رواج دارد.

همجنسگرایی در گوسفندان (که در ۶ تا ۱۰٪ قوچها دیده می‌شود) همراه با تفاوت در حجم بخشهای معینی از مغز و فعالیتهای شیمیایی است. مطالعاتی که توسط مجلهٔ درون ریز شناسی انجام شد، نشان داد عوامل فیزیولوژیکی و زیست شناختی تأثیرگذارند. نتایج این بررسیها با بررسیهایی که لوی روی نمونه‌های انسانی انجام داد مشابه‌است. گوسفندان نر کوهی آمریکایی نیز از این نظر به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنها که درگیر روابط همجنسگرایانه می‌شوند و گروه دیگر که اینگونه نیستند.

در میان کبوتران نیز همجنسگرایی نرها دیده می‌شود. کبوتربازان اصطلاحاً به این جفت کبوتران جنای می‌گویند.

روانشناسی همجنسگرایان

در ابتدای قرن بیستم، مباحثی نظری پیرامون تحلیل روانی درگرفت که ادعا می‌کرد در همهٔ افراد طی نمو روانی، دوجنس گرایی به وجود می‌آید. مطالعات عددی آلفرد کنزی در سال ۱۹۴۰ و همچنین دکتر فریتز کلین در سال ۱۹۸۰ تأیید کنندهٔ این نظریات بودند.

مطالعات تازه که با چاپ کتابهای آلفرد کنزی با نامهای «رفتارهای جنسی انسان مذکر» و «رفتارهای جنسی انسان مؤنث» به نتایج مهمی منتهی شد، بیانگر این بود که اکثر مردم در مقاطعی دارای تجربیات و یا عواطف همجنس گرایانه بوده‌اند. پژوهشهای علمی معاصر ادعا می‌کنند که اکثریت جامعه انسانی تمایلات دوجنس گرایانه دارند. گرایش جنسی برخلاف آنچه بیشتر مردم تصور می‌کنند یک متغیر گسسته نیست که به ۲ گروه «دگرجنس گرا» و «همجنس گرا» تفکیک شود، بلکه متغیری پیوسته‌است که خصوصیات مابین این گروه‌ها را نیز داراست. گزارشات «کنزی» نشان می‌دهند که حدود ۴ درصد از بالغین آمریکایی برای تمام عمر منحصراً همجنس گرا هستند و حدود ۱۰ درصد نیز در

مقاطعی از زندگی رفتارهای همجنس گرایانه بروز داده‌اند. با این حال درصد افرادی که به طور برابر با هر دو جنس رابطه دارند کمتر از میزان مورد انتظار است. این می‌تواند به علت فشارهای اجتماع بر افراد باشد که آنها را مجبور می‌کند بر خلاف غرایز درونی خود و به طور ناخودآگاه برچسبهای مطلق هویت جنسی را از قبیل «همجنس گرا» یا «دگرجنس گرا» بپذیرند.

کنزی، به همراه فعالان گروه‌های LGBT بر جنبه‌های تاریخی و سیالیت گرایشهای جنسی تأکید می‌کرد. مطالعات کنزی همچنین نشان داد که گرایش جنسی در دوران حیات فرد در جهات مختلف رشد می‌کند و ندرتاً (و نه لزوماً) امکانات جذب شدن به جنسیت متفاوتی را فراهم می‌کند. بسیار نادر است که شخصی گرایشهای جنسی خود را تغییر دهد و همچنین بعید است که این اتفاق نادر در صورت رخ دادن «داوطلبانه» باشد. اما گاهی تمایلات جنسی گسترش می‌یابند و یا دستخوش تغییر شده و جوهره^۲ متفاوتی پیدا می‌کنند. نظریه فراهنجارایده‌های «ساختار اجتماعی» را مرتبط با قضیه می‌داند و معتقد است باید به تمایلات جنسی تنها در چهارچوب تاریخی آن نگریست. در این نگاه، گرایش جنسی محصول تأثیرات جامعه‌است و یک ویژگی تحت کنترل انسان و اراده^۳ او محسوب نمی‌شود.

بیشتر روانشناسان با نتایج کلی آزمایشات کنزی موافقت و به رشته^۴ پیوسته^۵ تمایلات جنسی عقیده دارند، که در آن افراد کاملاً^۶ همجنس گرا و کاملاً^۷ دگرجنس گرا در دو انتهای بردار و اقلیت قرار دارند و اکثریت را دوجنس گرایان تشکیل می‌دهند. بعلاوه تقریباً^۸ همه^۹ روانشناسان هم عقیده‌اند که گرایش جنسی در سنین پایین شکل می‌گیرد و به طور ارادی قابل تغییر نیست.

البته بعضی دیگر از تحقیقات اسلوب کاری کنزی را زیر سؤال می‌برند و نتایج این آزمایش را در برآورد تعداد همجنس گرایان و دگرجنس گرایان اغراق آمیز می‌دانند. آنها دلیل خود را انتخاب افراد نامناسب برای تحقیق (که شامل همجنس گریان و زندانیهایی که بعضاً^{۱۰} متهم به تجاوزهای جنسی بوده‌اند می‌شود) بیان می‌کنند به هر حال نظریات کنزی در رابطه با «رشته پیوسته^{۱۱} تمایلات جنسی» هنوز مورد قبول است و با یافته‌های تحقیقات زیست شناسی انجام شده بر تفاوت‌های ساختاری مغز افراد و حیوانات دارای گرایشهای جنسی مختلف سازگاری دارد.

روابط پدر- پسر و شکل‌گیری رفتارهای جنسی بخش بزرگی از تحقیقات معمولاً^{۱۲} به بررسی روابط فرزند- والد و تأثیر آن بر مردان همجنس گرا و دگرجنس گرا می‌پردازد و احتمال رابطه‌ای بین «فقدان پیوند عاطفی بین والد همجنس» و «شکل‌گیری همجنس‌گرایی

در پسر» را پیشنهاد می‌دهند. مطالعات زیادی ادعا می‌کنند که مردان همجنس‌گرا در دوران کودکی خود کمتر از همسالان دگرجنس‌گرایشان مورد علاقه یا توجه پدرانشان بوده اند «بیر» در سال ۱۹۷۶ اظهار داشت: «از سال ۱۹۶۲ که کتابم منتشر شد تا به حال بر روی ۱۰۰۰ همجنس‌گرا و ۵۰ جفت از والدینشان مطالعه کرده‌ام والگوی مشابهی در ۹۰٪ آنان یافته‌ام. در تمام مدت آزمایش، حتی یک مرد همجنسگرایی که پدرش اخلاق سازنده و رفتار مهرورزانه داشته باشد ندیده‌ام. پسری که پدرش به او احترام می‌گذارد و عشق می‌ورزد هرگز همجنس‌گرا نمی‌شود. من به این نتیجه رسیده‌ام که رفتار والدین بر انتخاب تمایل جنسی کودکان بسیار تأثیر می‌گذارد.»

بیر بعدها در سال ۱۹۷۶ گفته‌های خود را این گونه ادامه داد: «ما همواره گفته‌ایم که یک پسر که پدری با اخلاق سازنده و مهرورزانه دارد هرگز همجنس‌گرا نمی‌شود. باید توجه داشت که عکس این گزاره صحیح نیست و هر پسری که پدرش اخلاق مخرب دارد لزوماً همجنس‌گرا از آب در نمی‌آید.»

این گزارشات، مخصوصاً به علت جابجا کردن علت با اثر زیر سؤال رفته‌اند. به عبارت دیگر علاقهٔ مردان همجنس‌گرا به داشتن رابطهٔ مستحکم تر با مادر، علت همجنس‌گرایی نیست، بلکه نتیجهٔ آن است. انجمن روانشناسی آمریکا نیز این نتایج را رد کرده‌است و اظهار داشته که در جوامع مختلف همجنس‌گرایان درصد مشابهی از جامعه را تشکیل می‌دهند. در حالی که اگر روابط خانوادگی دارای چنان تأثیری بود، در جوامعی با فرهنگ خانوادهٔ متفاوت این میزان می‌بایست متفاوت باشد. این تئوری هم چنین عاجز از توضیح وجود همجنس‌گرایی در یونان باستان، ژاپن قبل از مدرنیته، و فرهنگهای دیگر است و دلیلی برای همجنس‌گرایی در حیوانات ارائه نمی‌کند و مثلاً قادر به توضیح دادن این سؤال نیست که چرا در گونهٔ قوی سیاه استرالیایی تنها والدین جوجه‌ها زوجهای نر محسوب می‌شوند؟

یافته‌های مطالعات بر حیوانات همجنس‌گرا به موازات یافته‌های موارد انسانی پیش می‌روند. مطالعاتی که بر روی مغز قوچهای همجنس‌گرا انجام شده نشان می‌دهد آن بخش از مغز که در شکل‌گیری رفتارهای همجنس‌گرایانه نقش دارد، نسبت به دگرجنس‌گرایان همان تفاوتی را نشان می‌دهد که در موارد انسانی دیده می‌شود.

اصلاح رفتار

بعضی درمان‌گرها، گروه‌ها، یا مؤسسات ادعا می‌کنند قادر به کمک به همجنس‌گرایان برای غلبه بر رفتارهای همجنس‌گرایانه خود هستند. اکثر آنها پیروان ادیان ابراهیمی هستند که در مسلک آنان همجنس‌گرایی غیرطبیعی و گناه‌است و یک گرایش جنسی نامطلوب به حساب

می‌آید. این نوع روان درمانی در جهت حذف علایق همجنس‌گرایانه و توسط افرادی که همجنس‌گرایی را یک اختلال یا گناه تلقی می‌کنند استفاده می‌شود. این افراد معتقدند که همجنس‌گرایی اصولاً نوعی گناه است و از طریق توبه و ایمان می‌توان آن را از بین برد. تاکنون هیچ سند علمی و معتبری بدست نیامده که حاکی از «درمان» موفق یک همجنس‌گرا و تبدیل او به یک دگرجنس‌گرا باشد و حتی برخی افراد در اثر چنین «درمان»‌هایی دچار صدمات خطرناک و جدی شده‌اند. (منبع) با این حال طرفداران درمان همجنس‌گرایی به افرادی اشاره می‌کنند که به زعم آنها «موفق» شده‌اند. (ر.ک به انجمن ملی مطالعه و درمان همجنس‌گرایی). به هر جهت تنه اصلی جامعه پزشکی و روانشناسی این ادعاها را مردود می‌داند و تلاش برای تغییر گرایش جنسی را بی اثر و بالقوه خطرناک تلقی می‌کند.

طبیعت در برابر تربیت

این که بین عوامل روان شناختی و عوامل زیست شناختی کدام بر همجنس‌گرایی مؤثرتر است مسأله ایست که همواره عامل بحثهای بسیار شده است. از این عوامل می‌توان به عوامل ژنی و یا هورمونهای مؤثر بر جنین نام برد. از نظر تاریخی فروید و روانشناسان دیگری در شاخه روانکاوی معتقد بودند که تجربیات دوران کودکی در شکل‌گیری گرایشهای جنسی مؤثرند. به عنوان مثال فروید معتقد بود که نوجوانان همگی همجنس‌گرا هستند و پس از گذراندن مراحل دارای حالات دگرجنس‌گرایی می‌شوند و آنها که همجنس‌گرا می‌مانند به علت مواجهه با یک مانع یا حادثه بازدارنده، تکامل جنسی خود را به اتمام نرسانده‌اند. او همچنین معتقد بود که بعضی افراد که این دوره تکامل جنسی را بدون هیچ مشکلی طی کرده‌اند نیز همچنان در درون خود به صورت پنهان و به درجات متفاوت دارای تمایلات همجنس خواهانه هستند. کشفیات مدرن علمی و پزشکی تأکید بر زیست شناختی بودن عوامل همجنس‌گرایی و رفتارهای همجنس‌گرایانه در کودکی دارند و این عوامل شامل عوامل ژنتیکی و یا کسب شده در رحم مادر می‌باشند. ناگفته نماند که همین پیش زمینه‌های زیست شناختی همجنس‌گرایانه است که در کودکی شرایط ایجاد عوامل روانشناختی را مهیا می‌کند.

همجنس‌گرایی در طول تاریخ

همان‌گونه که گفته شد، همجنس‌گرایی قدمتی به‌درازای تاریخ بشر دارد و کما بیش در همه‌جا حضور داشته داشته است.

ایران

در ایران باستان با همجنس‌گرایی و روابط همجنس‌گرایانه در مکان‌های زیادی همچون دیرها، کاروان‌سراها، حمام‌ها و پادگان‌های نظامی

برخوردی صورت نمیگرفته و مجاز بوده است همچنین در دوران صفویه مکانی به نام امرد خانه برای روسپیان مرد وجود داشته است. این مکان توسط حکومت قانونی بوده و حتی مالیات نیز پرداخت می نموده است.

در دوران هخامنشیان و ساسانیان مجازات رابطه با همجنس، اعدام بوده است.

تاریخ همجنس‌گرایی در قلمروی اسلامی

ابوالحسن خان ایلچی شیرازی (۱۱۹۰ تا ۱۲۶۲ ق. / ۱۷۷۶ تا ۱۸۴۶ م)، سیاست‌مدار مشهور ایرانی و وزیر امور خارجه دولت قاجار در زمان فتحعلی شاه در سفرنامه خود هنگام توصیف «توغات» - یکی از شهرهای عثمانی (و یا به قول خودش، روم)، در بخشی که وارد حمام عمومی می‌شود، گزارشی از لواط سپاهیان ینی چری با پسرچگان ارمنی را که به چشم خود شاهد بوده است، ارائه می‌دهد.

در نظام جمهوری اسلامی همانند دیگر کشورهای اسلامی همجنس‌گرایی جرم محسوب می‌شود و دارای قوانین جزایی خاص خود است. در خصوص لواط، به معنای انجام عمل جنسی بین دو مرد، در حضور چهار شاهد عادل و یا چهار مرتبه اقرار از سوی کسانی که لواط کرده‌اند به این عمل در دادگاه، بنا به احکام اسلامی که مبنای قانون مجازات در جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند حکم اعدام برای هر دو طرف اجرا می‌گردد. همجنس‌گرایی زنان زیر عنوان «مساحقه» عمل مجرمانه اعلام شده است. ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مساحقه را این طور تعریف کرده است: «مساحقه، هم جنس بازی زنان است با اندام تناسلی». در موضوع مساحقه جرم به فعل دو زن بستگی دارد و در جریان تحقق جرم اساساً جنس مذکر غایب است. به موجب ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می‌شود». در صورت تکرار جرم، مرتکب را اعدام می‌کنند (ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی). یکی از راههای اثبات جرم هم جنس‌گرایی زنان شهادت شهود است. قانونگذار برای اثبات این جرم به شهادت مردان رجوع می‌کند و شهادت زنان را در جرمی که کاملاً زنانه است معتبر نمی‌شناسد.

اروپا

اکثر کشورهای اروپا در عین به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی قوانین خاصی نیز برای آنها تدوین کرده و یا در حال انجام آن هستند. برای مثال قانون ازدواج همجنسگرایان در بلژیک در سال ۲۰۰۳ تصویب شد.

ایالات متحده آمریکا

در اکثر ایالت‌های آمریکا همجنس‌گرایان دارای مشروعیت بوده حتی دارای قوانین ازدواج هستند. رئیس‌جمهور سابق آمریکا، جرج دبلیو بوش، تلاش‌هایی برای محدود کردن ازدواج همجنس‌گرایان به عمل آورده است.

خاورمیانه

در اسرائیل، حقوق شهروندی همجنس‌گرایان به رسمیت شناخته شده است. در اکثر کشورهای اسلامی در خاورمیانه، با همجنس‌گرایان برخورد می‌شود. با این وجود، جامعه همجنس‌گرایان اسرائیل دارای آزادی‌های وسیع اجتماعی در این کشور هستند، هرچند برخی گروه‌های مذهبی محافظه‌کار در اسرائیل با این آزادی‌ها مخالفند. در سال ۲۰۱۰ دهها خاخام سرشناس اسرائیلی با امضای بیانیه‌ای خواستار رعایت حقوق و جلوگیری از بدرفتاری با همجنس‌گرایان مذهبی شده‌اند.

پرتقال

پارلمان پرتغال لایحه‌ای را در تاریخ ۸ ژانویه ۲۰۱۰ برای قانونی کردن ازدواج همجنس‌گرایان تصویب کرده اما قبول کردن فرزند توسط این زوج‌ها را رد کرده است. این لایحه با حمایت حزب حاکم سوسیالیست و سایر احزاب چپ به تصویب رسید.

همجنس‌گرایی و مذهب

سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام با همجنس‌گرایی به طور علنی مخالفت کرده‌اند، اما برخی مسیحیان در این زمینه نظرات متفاوتی دارند، چنان‌که برخی کلیساها عقد شرعی همجنس‌گرایان را جاری می‌کنند و برخی نیز، این عمل را مطرود می‌دانند.

از نظر اسلام

لواط یکی از گناهان کبیره از نظر دین اسلام است. این عمل از جانب محمد، پیامبر اسلام و تمامی امامان شیعه به شدت [نیازمند منبع] نهی شده و از عواقب اخروی آن به شدت یاد شده است. در قرآن نیز سه نوع عذاب برای قوم لوط، که مشهور به همجنس‌گرایی بودند، بیان شده: صیحه، باریدن سنگ عذاب بر آنها، زیر و رو شدن شهرهای آنها. [نیازمند منبع] همچنین در قرآن گفته شده: «عذابی که بر قوم لوط نازل شد از ظلم کنندگان دور نیست»..

از نظر یهودیت

در آئین یهودیت، رابطه جنسی بین دو همجنس غیر قابل قبول است. اما بجز در مذهب ارتدکس در سه مذهب دیگر یعنی اصلاح گرا، نوسازمانگرا و محافظه کار همجنس‌گرایی بعنوان یک شیوه‌ی زندگی مورد قبول و اجازه ورود به مرحله خاخامی وجود دارد.